

بسمه تعالی

بررسی تطبیقی اخلاق اجتماعی در نهج البلاغه و عهدین در عرصه خانواده

چکیده:

اخلاق و اهمیت آن در میان مبلغان دینی و پیروان آنها و حتی در میان همه انسانها آن چنان پر اهمیت و مهم است که بدون در نظر گرفتن آن و بدون داشتن اخلاقی نیکو و پسندیده رسیدن به نهایت کمال بشری امری غیرممکن و محال میباشد. این اخلاق نیکو در حوزه خانواده نیز خود را به طور کامل نشان می دهد، چرا که خانواده به عنوان پایه و بنیان اجتماعات بزرگتر مانند جامعه، نقش اساسی و کلیدی در شکل گیری و دوام اجتماعات بشری دارد. لذا بررسی مسائل اخلاقی در حوزه خانواده از جایگاه بسیار بالا و پر اهمیتی برخوردار است.

از سوی دیگر از جمله مسائلی که امروزه در مورد ادیان و مذاهب مطرح است، میزان اشتراک محتوای این کتاب های آسمانی در موضوعات مختلف است. در واقع نگاه ادیان و کتب دینی آنها به موضوعات مختلف مورد توجه و مقایسه قرار گرفته است. لذا در این مقاله سعی شده تا متن و محتوای کتاب شریف نهج البلاغه (به عنوان یکی از کتب دینی اسلام یا دومین کتاب ارزشمند شیعیان بعد از قرآن) با متن و محتوای کتاب تورات و نیز کتاب انجیل (عهدین) از لحاظ میزان توجه و درجه اهمیت آنان به ارزشهای اخلاقی در حوزه خانواده مورد بررسی و مقایسه قرار گیرد.

از بهترین و مقدس ترین بنیادهای بشری، همانا خانواده است و قرآن در آیات بسیاری به این مهم توجه داده و حتی خداوند خود وعده گشایش و فراخی رزق به زوج های جوان میدهد و ترس از فقر را دلیلی برای تشکیل ندادن خانواده نمی داند. (سوره نور آیه ۳۲) بالاتر از آن در کنار اقرار به توحید احترام بی چون و چرا به پدر و مادر را خواسته و احترام به همسر و خانواده را از شرایط ایمان دانسته است. (سوره نساء آیه ۳۶) همچنین عهدین نیز در دفعات مختلف به نظام خانواده و وظایف پدر و مادر و فرزندان اشاره کرده و نسبت به این موضوع بسیار حساس و نکته سنج بوده اند. تفاوت عمده بین عهدین و نهج البلاغه در بیان مسائل اخلاقی در حوزه خانواده مربوط به بعضی افراط و تفریط ها در عهدین بوده که در نهج البلاغه رعایت تعادل در همه موارد به چشم می خورد. همچنین عهدین در مورد بسیاری از موارد به کلیات پرداخته در حالی که امام علی (ع) در نهج البلاغه به جزئیات نیز توجه ویژه ای داشته اند.

کلید واژهها: نهج البلاغه، عهدین، تورات، انجیل، اخلاق اجتماعی، خانواده

بیان مسئله:

بشر به دلیل ذات وجودیاش و اقتضای آفرینش خود، ملزم به زندگی اجتماعی است. لذا خداوند راهکارهایی برای رشد و شکوفایی زندگی اجتماعی انسان در کتاب‌های آسمانی تبیین کرده و پیامبران مبعوثش را مأمور تعلیم آنها نموده است تا جوامع بشری با به‌کارگیری آنها بهترین جوامع و نظام بشری را تشکیل دهند.

در تعریف اخلاق اجتماعی تعاریف متعددی بیان شده است، اما به طور کلی می‌توان گفت که اخلاق اجتماعی عبارتست از مسائل اخلاقی با محوریت روابط اجتماعی انسان با دیگران و نیز صفات و خصوصیات است که در رابطه انسان با جامعه مطرح میگردد، یعنی اگر فرضاً اجتماع و جامعهای در کار نباشد آن ویژگیها و صفات مفهومی نداشته و تحقق نمیپذیرد. اخلاق اجتماعی دارای اهمیت بالا و ویژه‌های در علم اخلاق است و شخصیت انسان بیشتر بر محور آن دور میزند.

هر انسان خردمندی به جامعه خویش علاقه دارد و آنچه را که پایداری اجتماع به آن وابسته است دوست داشته، هرگز رضایت نمیدهد که بنا و اساس جامعه‌اش به خطر افتد و یا خراب شود. ادیان توحیدی نیز که در فطرت و سرشت انسانها ریشه دارند، راهنمای پیروان خود به سوی مؤلفهها و بنیانهای اجتماعی هستند و به هر چیزی که باعث استحکام و پیوند این بنای مهم و حیاتی گردد، ارج می‌نهند. یکی از این بنیادها و مؤلفهها، نظام خانواده میباشد. نهج البلاغه و عهدین، تعالیم ارزندهای در زمینه اخلاق خانوادگی نظیر: ازدواج، طلاق، حقوق متقابل زن و مرد بر یکدیگر، مسئولیتهای مرد نسبت به زن، وظایف پدر و مادر در قبال تربیت فرزندان و وظایف فرزندان نسبت به والدین دارند که در این تحقیق به آنها پرداخته میشود.

پیشینه تحقیق:

در بررسیهای انجام شده میان کتابهای مختلف، اثر خاصی در مورد این موضوع به طور مستقل نگاشته نشده است، هر چند در زمینه اخلاق اسلامی در نهج البلاغه کتابهایی نوشته شده است مانند: "اخلاق اسلامی در نهج البلاغه" نوشته اکبر خادم الذاکرین، "روابط و مسئولیت اجتماعی در نهج البلاغه" نوشته دکتر احمد پاکتچی، "اخلاق شهروندان در فضای مجازی با تمرکز بر قرآن و نهج البلاغه" نوشته مریم صانع پور، همچنین کتاب "مقایسه بین کتاب قرآن و عهدین" نوشته دکتر داود کمیجانی نیز مقایسه‌های کلی در همه موارد بین قرآن و عهدین انجام داده است و هرکدام از این کتابها در عین ارزشمند بودن، هیچکدامشان در باب مقایسه تحلیلی اخلاق اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی بین نهج البلاغه و عهدین نیستند.

در بخش پایان نامه و مقالات نیز رساله‌های «بررسی تطبیقی اخلاق اجتماعی در قرآن و عهدین»، عبدالرضا شایانی، دانشگاه تهران، سال 1392، «روابط اجتماعی و اخلاق ازدیگاه حضرت علی در نهج البلاغه»، سعید صحابت انور، دانشگاه بوعلی سینا، سال 1396، «مقایسه آموزه های اخلاقی قرآن و عهدین در حوزه معاشرت اجتماعی با تاکید بر عفو و عدالت»، معصومه وطنی، دانشگاه قم، سال 1392، «اخلاق اجتماعی کوفیان در دوران امام علی (ع) بر پایه نهج البلاغه و گزارشهای تاریخی»، محمدعلی ذاکری زفره، دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین، 1391 و «تحلیل اخلاق اجتماعی مردم در دوران حکومت امام علی با تکیه بر نهج البلاغه»، مژگان حامی، دانشگاه پیام نور استان تهران (تهران جنوب)، 1394 و مقالات مرتبط با آنها در زمینه اخلاق اجتماعی با محوریت قرآن و نهج البلاغه کار شده است که تا حدی در بعضی از قسمتها دارای اشتراکاتی با موضوع این مقاله هستند اما همانطور که دیده میشود در این پایان نامهها و مقالات مرتبط با اخلاق اجتماعی در قرآن با عهدین مقایسه شده و با اینکه تنها به بعضی از ارزشهای اخلاقی به طور جداگانه در نهج البلاغه پرداخته شده است اما هیچکدام از این پایان نامهها و مقالات مستخرج از آنها مقایسه‌های بین اخلاق اجتماعی در نهج البلاغه و عهدین به خصوص در عرصه خانواده انجام نداده‌اند.

1- تعالیم اخلاقی نهج البلاغه در عرصه خانواده:

از نگاه حضرت علی (ع)، زندگی و تشکیل خانواده با سختی و دردمس همراه است و دردمس بالاتر اینکه گریزی هم از این سختی نیست (حکمت ۲۳۸)، البته رسیدن به پاره‌های از کمالات و خواسته‌ها ممکن نیست مگر با ازدواج و تشکیل خانواده. و اینکه این سختی‌ها خود شیرین و دوست داشتنیاند. (حکمت ۶۱)

اما در تشکیل خانواده باید با دیدی باز و با نگاهی عقلانی - نه چون عاشقی که با چشمی بیمار و گوش‌های ناشنوا از پی خواسته دل می‌رود و نهایتاً هم به پشیمانی می‌رسد - دست به گزینش بزنیم. (خطبه ۱۰۹) البته این کلام حضرت هرگز به این معنا نیست که در انتخاب، معیار علاقه و دوست داشتن را در نظر نگرفت؛ بلکه انتخاب کورکورانه مورد نهی حضرت است.

گام دوم، درک این مطلب است که روحیات زنان و مردان متفاوت است. اما علی (ع) هم در چندین جای نهج البلاغه بر این موضوع تاکید دارند و شناخت این تفاوت‌ها را در ساختارسازی بهتر خانواده پررنگ می‌دانند. (خطبه ۸۰؛ حکمت ۲۳۴) در روان‌شناسی و روان‌شناختی امروزی هم بسیار بر این مطلب تاکید شده و توصیه مکرر بر این دارند که برای زندگی بهتر باید با دنیای متفاوت زنان و مردان آشنا شد؛ حتی با نگاهی اغراق‌آمیزتر آنان را از دو سیاره متفاوت می‌دانند!

در گام سوم حضرت توصیه‌های شنیدنی بسیاری به زنان و همسران برای تداوم شیرین زندگی دارند که به گوشه‌ای از این توصیه‌ها اشاره می‌کنیم:

1-1- توصیه‌های امام علی (ع) برای زندگی بهتر و با دوامتر

یک- پاکدامنی

اما علی (ع) زنان پاکدامن را فرشته‌های از فرشتگان الهی و پاکی آنان را از مجاهدت در راه خدا و شهادت هم بالاتر می‌داند. (حکمت ۴۷۴) نیز پایبندی به اصول خانوادگی و عدم اجازه ورود نامحرم به حریم زندگی را از صفات کمالی زن برمی‌شمارد. (حکمت ۲۳۴)

همچنین آن حضرت به مردان می‌گوید در پوشش همسرانتان و روابطشان دقت داشته باشید که این کار بهترین امور برای حفظ پاکی و سلامت زن است. (نامه ۳۱) اما این بدان معنا نیست که مرد غیرت و تعصب و سختگیری بی‌موردی از خود بروز دهد (حکمت ۳۶۰)؛ چون همان‌طور که حضرت علی (ع) می‌فرمایند غیرت بی‌مورد درستکار را بیمار دل و پاکدامن را به بدگمانی می‌اندازد. (نامه ۳۱)

دو- خوش خلقی

اخلاق نیکو و سعی در رفع نیازهای یکدیگر، گرامی‌ترین و با ارزش‌ترین فضیلتی است که در راس تمام امور خانواده قرار دارد. (حکمت ۳۸)

حضرت در بیانی زیبا می‌فرمایند: «اگر اندوهی از اعضای خانواده بزداييم و دل آنها را شاد سازيم، خداوند اين شادي را لطفی برايمان قرار می‌دهد که هنگام غم روزگار، چون آب زلالی برايمان باریدن می‌گیرد و اندوه و غم‌هایمان را می‌شوید.» (حکمت ۲۵۷)

امام علی (ع) جهاد زن را نیکوشوهرداری دانسته (حکمت ۱۳۶) و به مردان توصیه می‌کند هرگز با پرخاشگری با زنانتان سخن مگویید و هیچ‌گاه با چوب و سنگ آنان را میازارید که این برخورد حتی در جاهلیت هم جایگاهی نداشت و چنین شخصی مورد مذمت بوده و هست. (نامه ۱۴) سعی زن و شوهر باید عیبپوشی از یکدیگر باشد. (خطبه ۱۴۰)

سه- نداشتن انتظارات نامعقول

امیر مومنان در وصیتی به فرزندش امام حسن (ع) می‌فرمایند: «پسرم! زنان چون گل‌های بهاری هستند نه پهلوانان سختکوش؛ پس هرگز کاری برتر از توانایی آنها از آنان انتظار نداشته باش (نامه ۳۱) و هرگز آنان را با آزار دادن تحریک مکن که آنان در نیروی بدنی و روانی کم توانند.» (نامه ۱۴)

با تمام سفارشاتى که حضرت در مورد احترام به زن و خانواده دارند و تلاش برای مهیا کردن شرایط بهتر برای زن را چون جهاد می‌دانند؛ هرگز با نگاه‌های فمینیسمی موافق نیستند و با صراحت در مواردی نگاه‌های زن‌سالاری را محکوم و اشتباه می‌دانند.

چهار- تربیت صحیح فرزندان

حضرت کمی فرزند را موجب رفاه و آسایش می‌داند. (حکمت ۱۴۱) بیان این مطلب هرگز تایید یا رد این سخن نیست که «فرزند کمتر، زندگی بهتر» و اینکه آیا این ایده‌ای غیراسلامی هست یا نه، اکنون از این موضوع غریبه و بیگانه است؛ ولی صرف نظر از شرایط جامعه و خالی از هر نگاه بیرونی کمتر بودن فرزندان بالطبع مسئولیت کمتر و نگرانی‌های کمتری داشته و خود به خود موجب راحتی و رفاه بیشتری برای پدر و مادر می‌شود.

اما این کلام هرگز بی‌توجهی به فرزندان را تایید نمی‌کند. امیر مومنان (ع) پدر و مادر را در مقابل فرزندان مسئول دانسته و خود حضرت می‌فرمایند همان‌گونه که فرزندان در قبال پدر و مادر مسؤولیت‌هایی دارند، پدر و مادر نیز در قبال آنان وظایفی دارند و مهم‌ترین وظیفه آنها شتاب و تلاش در تربیت فرزندان است. حضرت در سخنی به فرزند بزرگوارشان امام حسن (ع) می‌فرمایند: «وظیفه دارم تا تو را با اخلاق و آداب اسلامی آشنا سازم و به بهترین شکل تربیت کنم.»

در این بخش و در ادامه، به بیان اهمیت و هدف تربیت فرزندان در نهج البلاغه می‌پردازیم تا با دیدگاه حضرت علی (ع) در این موضوع با جزئیات بیشتری آشنا شویم:

- اهمیت تربیت فرزندان

از حیاتیترین ابعاد زندگی انسان، تربیت است و در پرتو آن، انسان به سعادت نهایی می‌رسد. بزرگ مربی اسلام، علی (علیه السلام) در سخنان گهربار خود بارها و بارها از این امر مهم پرده برداشته و آثار و نتایج مثبت تربیت فرزند و پیامدهای منفی بی‌توجهی به آن را بیان داشته‌اند. اما پیش از بیان دیدگاه‌های حضرت در این زمینه، مناسب است نوع نگرش و برداشت آن حضرت را از فرزند ارائه کنیم. برخی افراد، فرزند را بیشتر به عنوان ابزاری برای پاسخگویی به نیاز عاطفی والدین و نیز عضوی برای تامین و خدمت به خانواده و مایه فخر و مباهات والدین میدانند. اما امام علی (علیه السلام) به فرزند بسی فراتر از این نگریده و آن را عطیهای الهی بر شمرده‌اند که در پرتو توجه و تربیت والدین به رشد کافی رسیده و در پی نیکوکاری و احسان به والدین بر می‌آید. در نهج البلاغه آمده است که: «در حضور امام علی (علیه السلام) مردی به دیگری تولد پسرش را این چنین تبریک گفت: «گوارایت باد رزمجویی سوارکار!» آن حضرت از نوع تبریک گفتن او نهی نمود و تبریک گفتنی این چنین را به او توصیه نمود: «امید که بخشنده اش را سپاسگزار باشی و این عطیه الهی مبارکت باد، او به رشد دلپذیر برسد و تو نیز از نیکی و خیرش بهره مند شوی.» (معادخواه، فرهنگ آفتاب)

حال که از نگرش امام علی (ع) نسبت به فرزند آگاه شدیم، به آثار و نتایج تربیت فرزند از دیدگاه آن حضرت اشاره میکنیم. آن حضرت در سخنی کوتاه و در عین حال عمیق و ظریف، تربیت و ادب آموزی را میراثی بیمانند تلقی نموده‌اند. معمولاً با درگذشت انسان، نگاهها به

میزان و مقدار میراث به ارث گذاشته او معطوف است و چنانچه فردی متمول و ثروتمند باشد، اقلامی از میراث همانند زمین، خانه و خودرو در نظر کوهنظران، بزرگ و مهم جلوه می نماید اما از دیدگاه امام مریبان، حضرت علی (ع)، میراثی به مانند ادب و تربیت وجود ندارد «لامیراث کالادب» (خوانساری، محمد، شرح غررالاحکم و دررالکلم) و هرگز املاک و دارایی های باقیمانده مادی، قابل مقایسه با میراث گرانهای ادب و تربیت صحیح برای فرزندان نیست. و از این روست که در سخنی دیگر، آن حضرت فرمود: «گرانیهاترین چیزی که پدران برای فرزندانیشان به ارث می گذارند، ادب است.» علی (علیه السلام) ثمره و محصول تربیت صحیح را پرورش فرزند صالح و پیامد بی توجهی به امر خطیر تربیت را «رشد یافتن فرزند ناصالح» برشمرده و برای هر یک از این دو، آثار و نتایج مثبت و منفی بیان نموده اند. از دیدگاه آن حضرت فرزند صالح مایه انس و آرامش والدین است لذا می فرماید: «انس و آرامش در سه چیز است: همسری که با شوهرش توافق داشته باشد، فرزندی که صالح باشد و برادری که موافق و هم رأی انسان باشد.» همچنین در سخن دیگری فرزند صالح را نیکوترین یادگار و بلکه مساوی با همه یادگارهای باقیمانده از والدین، معرفی می نماید: «الولد الصالح احد الذکرین». مرحوم خوانساری در ترجمه و شرح خود بر غررالاحکم و دررالکلم ذیل این حدیث می گوید: «فرزند صالح نیکوتر دو یاد است؛ یعنی اسباب یاد کسی به نیکویی دوتا است: یکی فرزند صالح که از او بماند و دیگری سایر اسباب او.» فرزند صالح نیکوتر از همه آنهاست یا اینکه فرزند صالح را با هر سببی بسنجند، از آن سبب نیکوتر است.» (خوانساری، محمد، شرح غررالاحکم و دررالکلم)

حضرت آثار سو و پیامدهای منفی پرورش فرزند ناصالح را نیز مورد توجه قرار داده و همه رهروان صدیق خود را از بی توجهی به تربیت صحیح فرزندان برحذر داشته است. ایشان در سخنی فرزند ناصالح را مایه نابودی شرف و بلندمرتگی پدران خود و عیناک کننده پیشینیان خود معرفی مینماید و در کلامی دیگر از فرزند ناصالح به آلوده کننده پیشینیان خود و فاسد کننده اولاد و بازماندگان یاد میکنند. همچنین در سخنی دیگر او را مایه محنت و شومی دانسته و در بیانی بلیغ، فرزند ناخلف را شدیدترین مصیبتها معرفی نموده اند. فرزند ناصالح نه تنها خویشتن خود را گم نموده و گوهر بندگی و انسانیت خویش را از دست میدهد، که گاهی ممکن است پدر صالح و شایسته را به انسانی ناصالح مبدل گرداند؛ علی (علیه السلام) درباره زبیر فرمود: «پیوسته زبیر مردی از ما اهل بیت (ع) بود تا اینکه فرزند شوم و ناخلف او عبدالله بزرگ شد و او را از ما جدا کرد.» (معادخواه، فرهنگ آفتاب)

- **ضرورت تسریع در تربیت فرزندان از دیدگاه امام علی (علیه السلام)**

برای موجوداتی که در مسیر تغییر، تحول، رشد و تکامل هستند، معمولا موسم خاصی وجود دارد که در آن به بهترین و مناسبترین رشد خود میرسند و آثار مورد انتظار از آنها تجلی می یابد، گلها در موسم بهار میرویند، چشمهها در فصل بهار جاری میشوند. ابرها در زمستان بارور میگردند و قطرات بارانش میهمان زمین میگردند و... . تربیت فرزند نیز موسم مناسب خود را دارد که در آن بهتر و آسانتر به بار می نشیند. موسم مناسب تربیت، در اوایل

زندگی یعنی دوره کودکی، نوجوانی و عنفوان جوانی است، آنگاه که فرزند هنوز قلبی آسمانی و بیآلایش دارد، آنگاه که هنوز هواهای نفسانی و خواهشهای غیر انسانی به سرزمین وجود او حمله نیاورده، آنگاه که هنوز پلیدی ها و زنگارها میهمان ناخواسته دل او نگشته و کشتزار دل او آماده پذیرش هر بذری است. از سوی دیگر والدین به عنوان مهمترین مربیان فرزندان خود نیز همیشه فرصت و حوصله تربیت که امری ظریف و در عین حال پیچیده است را ندارند، زیرا آنگاه که بهار عمر والدین به روزهای آخر رسید و ضعف و سستی بر آنان مستولی گشت و حافظه شان چونان جسمشان به ضعف و نقصان گرائید، توان تربیت و راهنمایی مفید را از دست داده، از ایفای نقش مربیگری برای فرزندان عاجز میشوند. علی (علیه السلام) مربی بزرگ بشریت در منشور تربیتی خود به امام حسن مجتبی (علیه السلام) در به این نکته مهم و ظریف توجه نموده و دیدگاه تربیتی گرانشنگی ارائه نموده است. آن حضرت فرموده‌اند: «فرزند دلبندم! چون دیدم سالیانی را پشت سر نهاده و به سستی در افتاده‌ام، بدین وصیت برای تو مبادرت نموده‌ام و خصلتهایی را در آن بر شمردم پیش از آنکه مرگ بشتابد و مرا دریابد و آنچه در اندیشه دارم به تو ناگفته ماند یا اندیشه‌ام همچون تنم نقصان بهم رساند یا پیش از نصیحت من پارهای خواهشهای نفسانی بر تو غالب گردد یا فریبندگیهای دنیا تو را بفریبد و همچون شتری گریزان و نافرمان باشی و به درستی که دل جوان همچون زمین ناکشته است، هرچه در آن افکنند، بپذیرد. پس به ادب آموختنت پرداختم پیش از آنکه دلت سخت شود و خردت هوایی دیگر گیرد.» و در قسمت دیگر آن می فرماید: «... چون به کار تو چونان پدری مهربان عنایت داشتم و بر ادب آموختنت همت گماشتم، چنان دیدم که این عنایت در عنفوان جوانیات به کار رود و در بهار زندگانی که نیتی پاک داری و نفسی صاف و بیآلایش...» (نامه 31)

- هدف نهایی از تربیت فرزند

در نظام تربیتی اسلام، بحث «داشتن هدف» از کلیدی ترین مباحث بوده، جایگاه مهمی در آن دارد؛ چرا که بدون داشتن هدف و تعیین آن، امکان برنامه‌ریزی و نیز ارزیابی فعالیت‌های تربیتی به آسانی ممکن نیست. در تربیت فرزندان آن هم در جامعه اسلامی، داشتن هدف‌های الهی بسیار مهم و تعیین کننده است.

اما در نظام تربیتی اسلام هدف از تربیت چیست؟ آیا هدف صرفاً تولید نسل و افزودن بر اعضای جامعه است؟ آیا هدف صرفاً پرورش فرزند سالم است؟ آیا هدف تربیت نیروی انسانی برای تداوم جامعه اسلامی و به انجام رسانیدن امور آن است؟ و یا اینکه علاوه بر اینها، اهداف مهمتر و مقدستری وجود دارد؟ و بالاخره از دیدگاه بزرگ مربی اسلام، علی (علیه السلام) هدف از داشتن فرزند و تربیت آن چیست؟

بررسی دیدگاهها و سیره تربیتی علی (علیه السلام) آشکار میکند که در نظام تربیت اسلامی هدف نهایی از تربیت، رسیدن فرزند به مقام اطاعت و عبودیت الهی است. هدف نهایی تربیت انسانی است که مطیع پروردگار و تسلیم در آستان او باشد. امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در ضمن حدیثی، هدف نهایی از تربیت را به طور غیرمستقیم بیان نموده است. به

راستی آن حضرت در سفره تربیتی خویش بدین هدف تحقق بخشیده و فرزندان خود را با توجه به آن، تربیت نموده‌اند. مرحوم ابن شهرآشوب به سند خود از آن حضرت نقل می‌کند که فرمود: «من از خداوند خویش طلب فرزندان زیبا چهره و نیکو قامت ننموده‌ام، بلکه از پروردگارم خواسته‌ام تا فرزندانم مطیع او باشند و از او بترسند تا وقتی با این صفات به آنها نظر افکنم مایه چشم روشنی من باشند.» (مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار)

2-1- عوامل تحکیم خانواده از دیدگاه نهج البلاغه

خانواده متعادل مطلوب‌ترین و مناسب‌ترین نوع خانواده از دیدگاه نهج البلاغه است؛ زیرا خانواده متعادل سبب آسایش و نشاط و ارضای نیازهای افراد از جمله نیازهای جسمی و نیاز به محبت و احترام متقابل و نیاز به امنیت است. از طرفی همکاری و تعاون، گذشت و ایثار و هماهنگی و یکرنگی افراد خانواده و امتزاج زوج‌های آنها را بیشتر کرده و اتصال دو دریای نیرو (پدر و مادر) قدرت حیات و نشاط آنها را برای رسیدن به رهنمودهای عالی خانواده بیشتر می‌کند.

در این فراز، در رابطه با زندگی امیر المؤمنین علی (ع) و برترین بانوی عالم حضرت فاطمه، به شمارش و تبیین عوامل تحکیم خانواده از دیدگاه آن حضرت می‌پردازیم:

یک- تعاون و همکاری و تقسیم کار

در یک خانواده منسجم، پویا و اعتدال‌گرا، هر یک از اعضا در کارها و رفع سختیها با هم دیگر همکاری دارند. ضروریترین عامل در استواری هر کانون انسانی، تقسیم کار است و در تعیین چگونگی تقسیم کار، بیش از هر چیز میباید به استعدادها، تکوینی مرد و زن نظر داشت. چنین دقت نظری بدون بهره‌گیری از افق برتر وحی امکانپذیر نیست. علی بن ابی طالب (ع) در خانه با همسرش زهرا (س) همکاری میکرد. کار خانه را زهرا به اختیار خودش انتخاب کرده و علی (ع) به او تحمیل نمیکند. در عین حال علی (ع) میخواهد فشاری بر همسر عزیزش وارد نیاید و در کارها به او کمک میکند.

دو- پراکندگی محبت

در خانهای که محبت، عاطفه، تفاهم، آرامش و احترام چتر خود را بر آن گسترده باشد، افراد متعادل و با شخصیت رشیدیافتهای سر بر می‌آورند. اما خانهای که روح فرزندان خود را از کینه‌توزی، تغذیه می‌کند که اساس آنها ترس و خشم است. چنین خانوادها، کاروانهایی از افراد منحرف و جنایتکار به سوی جامعه سرازیر میکند. اگر نیک بنگریم، خواهیم دید که آن خانه‌گلی و خشتی که علی و فاطمه (صلوات ا... علیهم) در آن زیسته و فرزندان چون جوانان اهل بهشت، امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) را تربیت نموده‌اند، در سایه محبت الهی و عطر الفت و پاکدامنی بوده‌اند که بوی آن هنوز هم انسانها را شیفته‌ی خود میسازد. پس محبت مانند آبی است که به گیاه میرسد، اگر نباشد گیاه میخشکد و اگر بیش از حد شود ریشه گیاه می‌گردد و خراب میشود و گیاه میپوسد.

سه- ابراز و اظهار علاقه در خانواده

صفای زندگی به حاکمیت عشق و علاقه بر محیط زندگی و معاشرت است که بدون آنها، زندگی جهنمی سوزان و فضایی سرد و بی روح خواهد شد. ابراز عشق و محبت در محیط خانواده میان زن و مرد و نیز نسبت به فرزندان خان را به بهشت تبدیل می کند.

چه دوزخهای سوزانی است خانیهایی که در آن کمبود محبت و عاطفه فرزندان از جانب والدین وجود دارد و حسرت شنیدن عزیزم، دلیندم، تو را دوست دارم و... سالها بر دل کودکان مانده و گرفتار عقده کمبود محبت شدهاند. اگر اظهار علاقه در خانواده بنا به هر دلیل و توجیهی ترک شد، باید خود را آماده روئیدن علفهای هرز در کنار گل زندگی نمود. پس سخنان زشت و نیشدار، عیبجوییها و ظن و گمانهای ناروا در مورد یکدیگر بازارش گرم خواهد شد.

در سیره و رفتار خانواده حضرت علی (ع) طبق تاریخ و روایات، حتی یک مورد هم پیدا نمیشود که رفتارها و برخوردها از مدار محبت و علاقه و آن چیزی که مرضی خداوند است، خارج شده باشد. وجود حضرت زهرا (س) به قدری برای حضرت علی (ع) مایه آرامش و خشنودی بود که امام علی (ع) در این باره میفرماید: «وَلَقَدْ كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهَا فَتَنَكَّشِفُ عَنِّي الْهُمُومُ وَالْأَحْزَانُ؛ من که به چهره زهرا نگاه میکردم، همین نگاه هر گونه غم و اندوه را از من بر طرف مینمود.»

چهار- دینداری و پایبندی به تعهدات اخلاقی و اعتقادی

برای یک زندگی سالم و با آرامش، رعایت تناسب از نظر ارزشهای اخلاقی و اعتقادی امری مسلم است. چنانکه تقریباً اکثر افراد با انتخاب لباس خاص با توجه به آیه «هُنَّ لِيَاسٌ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِيَاسٌ لَّهُنَّ؛ در واقع نوع بینش و طرز تفکر خود را بروز میدهند و آشکار می سازند و در صورت عدم تناسب، احساس نامطلوب و مشکلات فراوانی را با خود به همراه میآورند. مولا علی (ع) در همین زمینه می فرماید: «عَلَيْكُمْ بِالصَّفِيقِ مِنَ التِّيَابِ فَإِنَّهُ مَنْ رَقَّ تَوْبُهُ رَقَّ دِيْنُهُ؛ بر شما باد پوشیدن لباسهای ضخیم، زیرا کسی که جامههاش نازک باشد، دینش نازک شود.» از این رو نبود تناسب بین فرد و همسر او که همچون لباس دائمی است، مشکلات روانی و نیز زمینه انحراف فکری و اعتقادی را در پی خواهد داشت. از همین رو پیشوایان دینی بحث کفویت زن و مرد را مطرح نمودهاند.

پنج- عدالت در خانواده

دین اسلام بر رعایت مساوات و عدالت در خانواده، بسیار سفارش نموده و از هرگونه تبعیض و امتیاز بیجا به برخی یا یکی از فرزندان به شدت منع کرده است. همچنین از تبعیض بین دو جنس دختر و پسر و محبت بیش از اندازه به پسران که ریشه در عصر جاهلیت داشت، پدر و مادر را انداز می دهد. امام علی (ع) می فرماید: «ان النبی صلی الله علیه و اله ابصر رجلا له ولدان فقیل احدهما و ترک الاخر. فقال رسول الله (ص): فهلا و اسیت بینهما؛ پیامبر (ص) کسی را دید که دو فرزند داشت. یکی را بوسید و دیگری را رها کرد [در

این هنگام [پیامبر خدا [به وی] فرمود: «چرا میان آنان یکسان عمل نکردی؟!» با توجه به این حدیث نورانی، عدالت ورزی حتی در محبت و بوسیدن فرزندان بایستی رعایت گردد تا از ایجاد حسادت و کینه‌ورزی آنان نسبت به هم جلوگیری کنیم.

شش- گفت و گوی صمیمی

در خانواده‌های صمیمی و موفق، همواره بستر لازم برای گفتوگوهای شاد و جذاب فراهم است. نگرش مثبت به مسائل، دادن فرصت اظهار بیان برای تک تک اعضای خانواده و رعایت اصل مهارت گوش دادن بدون قضاوت و پیشداوری و ارزیابی سریع، سبب رشد و احساس هویت و شخصیت خانواده را به دنبال دارد. متأسفانه با همه گیر شدن تکنولوژی و فناوری، از جمله اینترنت و ماهواره و ... ارتباط کلامی خانواده‌ها به کمترین حد خود نزدیک می شود و به عبارتی بهتر خانواده از یک فضای صمیمی، ارتباط نزدیک، تبادل افکار و حل مشکلات به سپری کردن اوقات در زیر یک سقف مبدل گشته است. بنابراین صحبت کردن با چهره بشاش رایحه دل انگیز دوستی را در فضا و محیط خانه و خانواده میپراکند. امام متقیان علی (ع) می فرمایند: « أَجْمَلُوا فِي الْخِطَابِ تَسْمَعُوا جَمِيلَ الْجَوَابِ ؛ زیبا خطاب کنید، تا جواب زیبا بشنوید.»

هفت- آموزش و افزایش اطلاعات در خانواده

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در قالب وصایای خود و در فرآیند آموزش فرزند جوان خویش، در نامه 31 نهج البلاغه به امام حسن مجتبی (ع) به تبیین و تصویر درست رابطه بین پدر با فرزندان میپردازد. بنابراین به موارد کلیدی که از سوی والدین باید به فرزندان منتقل شود اجمالاً اشاره میکنیم. امام میفرمایند: « وَ أَنْ أَبْتَدِئَكَ بِتَعْلِيمِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ تَأْوِيلِهِ وَ شَرَائِعِ الْإِسْلَامِ وَ أَحْكَامِهِ وَ حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ؛ ابتدا خواستم (تربیت) تو را به تعلیم کتاب خداوند و بیان آن و مقررات و احکام اسلام و حلال و حرام آن آغاز کنم». از این رو هر معلم و مربی و یا هر پدر دلسوزی، در قدم نخست و قبل از آلوده شدن دل و درون، باید حقایق دین را به دانشآموز فرزند خود بیاموزد وگرنه اگر تعلل نموده و این مهم را به تأخیر بیندازد، دل جوان به عقاید انحرافی آلوده میشود و اصلاح کردن وی، زحمتی دو چندان می-طلبد.

هشت- توجه به ظرایف روحیات همسر

زن و مرد در کانون گرم خانواده با درک روحیات یکدیگر میتوانند مسیر پر پیچ و خم زندگانی را با آرامش پشت سر بگذارند. در این مسیر درک و توجه به روحیات ظریف زن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. بنابراین هر کلمه، گفتار و حرکت، در بردارنده بار عاطفی و روانی خاصی است که تاثیر مثبت و منفی مستقیمی می تواند ایجاد نماید. از این رو همسر خانواده دوست دارد در ارتباط با او صحبت محترمانه با عواطف سرشار از محبت و احترام دریغ ورزیده نشود. شوهر باید به همسرش از این منظر که او امانت الهی است و فردی مستعد کمال، پیشرفت و تحول در عرصه زندگی است بنگرد. امام علی (ع) در شأن حضرت زهرا (س) و رضایت از او میفرماید: « قَوَّ اللَّهُ مَا أَعْصَبَتْهَا وَ لَا أَكْرَهَتْهَا عَلَيَّ أَمْرٍ حَتَّى قَبَضَهَا اللَّهُ

عَزَّ وَجَلَّ وَ لَا أَعْصِبُنِي وَ لَا عَصَتْ لِي أُمْرًا؛ سوگند به خدا من زهرا را تا هنگامی که خداوند او را به سمت خود برد خشمگین نکردم! در هیچ کاری موجب ناخشنودی او نشدم، او نیز مرا خشمگین نکرد و هیچگاه مرا نافرمانی نکرد!»

نه- سازگاری

سازگاری عبارت از این است که زوجین با کم و زیاد زندگی از حیثهای گوناگون بسازند و با رفاقت و همدلی کمبودهای یکدیگر را برطرف نمایند. پس برای داشتن یک زندگی به دور از تنش و پرخاش باید از موشکافی عیوب و ایرادهای احتمالی همدیگر و به رخ کشیدن آنها جدا اجتناب کنند و عیبپوشی و سازگاری را سر لوحه زندگی قرار دهند. همچنین بر زن و مرد است که مصلحت زندگیشان را بر منفعت شخصی ترجیح دهند و از آن بالاتر مصلحت زندگی خودشان را به خاطر دخالت اطرافیان زیر پا نگذارند. امام علی (ع) در این مورد می فرماید: «الرَّوَجَةُ الْمُوَافِقَةُ إِحْدَى الرَّاحَتَيْنِ»؛ زن سازگار یکی از دو آسایش است.

ده- پرهیز از تقاضاهای نامقدور

امروزه یکی از مشکلات رایج در خانوادهها این است که امکانات زندگی خودشان را با وسایل و امکانات زندگی دیگران مقایسه میکنند. در نتیجه انتظار و توقعشان بیشتر از توان مالی همسرشان میشود. این مسئله موجب احساس سرشکستگی شوهر و لذت نبردن زوجین از زندگانی خود میشود. از این رو زمینه و ریشه بسیاری از درگیریها و نزاعها در محیط خانواده ناشی از چشم و همچشمی هاست. از جمله ضررهای تقاضاهای نامقدور در کانون خانواده عدم تعادل مالی است که موجبات قرض، ربا، اقساط با مبالغ درشت و ناتوانی در پرداخت آن را به خانواده تحمیل میکند. حضرت علی (ع) در همین مورد می-فرمایند: «كَثْرَةُ السُّؤَالِ تُورِثُ الْمَلَالَ؛ در خواست زیاد، ملال به بار میآورد.»

یازده- تشویق و ترغیب

تشویق و ترغیب در خانواده، باعث رشد، نشاط، هم افزایی و تحکیم آن خواهد شد. گاه چنان فضای تحقیر، تنبیه و سرزنش در خانواده پیدا میشود که جرأت اظهار نظر کردن و تکاپو را از اعضای خانواده میگیرد و گاه چنان تشویق های بی مورد و بیجا صورت میگیرد که سبب توقعات بیش از حد میشود. از این رو جایگاه تشویق بجا در خانواده ها بسیار مغتنم است که متأسفانه مورد غفلت و بی توجهی قرار میگیرد. امام علی (ع) در عهد نامه‌های که به مالک اشتر نخعی نوشتند، او را به ارزشگذاری و ارج دادن به نیکان صالح فرمان دادند: «لَا يَكُونَنَّ الْمُحْسِنُ وَالْمُسِيءُ عِنْدَكَ بِمَنْزِلَةِ سَوَاءٍ- فَإِنَّ فِي ذَلِكَ تَرْهِيْدُ لِأَهْلِ الْإِحْسَانِ فِي الْإِحْسَانِ- وَ تَذَرِيْبُ لِأَهْلِ الْإِسَاءَةِ؛ هرگز نیکوکار و بد کار نزد تو یکسان و در یک جایگاه نباشند، چرا که در این کار، بی رغبتی نیکوکاران در امر نیکوکاری است و شوق بد کاران برای بدی.»

دوازده- هنر گوش دادن

امر حیاتی در یک زندگی موفق، آن است که زن و مرد به حرفهای هم از جان گوش بدهند. در واقع با گوش دادن به حرف همدیگر، اهمیت و ضرورت طرف مقابل در زندگی را گوشزد می نماید. متأسفانه غالباً افراد دوست دارند متکلم وحده باشند و از این نکته غافل هستند که گوش دادن همراه با سکوت به عنوان یک هنر و مهارت تلقی میشود. مولای متقیان علی (ع) میفرماید: «عَوِّدُ أَدُنكَ حُسْنَ الْإِسْتِمَاعِ وَ لَا تَضِغِ إِلَى مَا لَا يَزِيدُ فِي صَلَاحِكَ اسْتِمَاعُهُ؛ گوش خود را به شنیدن عادت بده و به سخنانی که بر اصلاح و پاکی تو چیزی نمی افزاید گوش فرامده.»

سیزده- پاسخ مثبت به خواسته های جنسی همسر

از نکات مهم در تحکیم و ثبات بنیان خانواده، برآورده شدن صحیح نیاز جنسی طرفین است. شاید علت پنهان بسیاری از طلاقها، خیانتها و اختلافات ریشه در عدم پاسخ درست به این غریزه باشد. امام علی (ع) در کلام حکیمانه ای می فرماید: « إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ امْرَأَةً تُعْجِبُهُ قَلِيَاتٍ أَهْلُهُ فَإِنَّ عِنْدَ أَهْلِهِ مِثْلَ مَا رَأَى وَ لَا يَجْعَلَنَّ لِلشَّيْطَانِ إِلَى قَلْبِهِ سَبِيلًا وَ لِيَصْرِفَ بَصَرَهُ عَنْهَا؛ هر گاه فردی از شما زنی (زیبا) را دید که او را به شگفتی وا داشت، به نزد همسر خود برود؛ چرا که همسر او نیز مثل همین خصوصیات را داراست. پس اجازه نفوذ شیطان را به قلب خویش ندهد تا چشم خود را از آن زن برگرداند.»

چهارده- عدم سوءظن و غیرت بيمورد نسبت به همسر

معمولاً هر صفت و رفتار درست اگر به اندازه و در جایش مورد استفاده قرار نگیرد، به صورت معکوس عمل خواهد کرد. یعنی اصل غیرت که در نهاد مرد از سوی پروردگار متعال به ودیعه گذاشته شده، صفتی برین است اما اگر این صفت دچار نوسان و افراط و تفریط شود؛ میتواند سبب بحران و اختلاف در خانواده شود. از این رو داشتن سوء ظن بیجا نسبت به همسر در رفت و آمدهای فامیلی و فعالیت های اجتماعی باعث خواهد شد تا کانون گرم خانواده به دریاچه یخ تبدیل گردد. بنابراین آزادیهای مشروع زن پایمال شده و محبت و صمیمیت رخت بر بسته و تلخکامی، شکوه و اعتراض جایگزین خواهد شد. حضرت می- فرماید: « إِيَّاكَ وَ النَّعَائِرَ فِي غَيْرِ مَوْضِعِ الْعَيْرَةِ- فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُو الصَّحِيحَةَ مِنْهُنَّ إِلَى السُّقْمِ وَ لَكِنْ أَحْكِمِ أَمْرَهُنَّ؛ بپرهیز که غیرت نابجا، زن سالم را به بیماری و پاکدامن را به بدگمانی (و اندیشه گنهاری) میکشاند و درباره آن محکم کار کن.»

پانزده- صبر و تحمل یکدیگر

یکی از بسترها و لوازم داشتن زندگی توام با آرامش و محبت، بهکارگیری صبر و تحمل در طول زندگی است. بنابراین با فهم این نکته که غیر از حضرات معصومین (علیهم السلام) اکثر ما انسانها دچار لغزش و خطا میشویم، زمینه را برای اغماض و چشم پوشی از لغزش های احتمالی فراهم میکند. همچنین زن و مرد با همفکری و سنجیدن تمام جوانب مسائل و مشکلاتشان از هر گونه تکروری و خودکامگی و استبداد رای باید اجتناب نمایند. زندگی بدون صبر و تحمل همچون حبابی در هواست و عامل ورزیدگی و پختگی زن و مرد در اثر رعایت

این مسئله است. امام در فرمایشی جمیل میفرمایند: « الصَّبْرُ أَحْسَنُ خَلَلٍ [حُلَلٍ] الْإِيمَانِ وَ أَشْرَفُ خَلَائِقِ الْإِنْسَانِ؛ صبر نیکوترین خصلت ایمان و ارجمندترین خوی انسان است.»

شانزده- هم پوشانی عیوب یکدیگر

انسانها برای محفوظ ماندن از سردی و گرمی هوا به لباس نیازمندند. همچنین برای در امان ماندن از آسیب های روحی و جسمی، زن و مرد به همدیگر به عنوان پوشش و عایق در برابر آسیب ها نیاز دارند. آن امام همام میفرمایند: «اسْتُرْ عَوْرَةَ أَخِيكَ لِمَا تَعْلَمُهُ فَيَكُ غَنَاهُ وَ لَغْزَشُ بَرَادَرْتِ رَا بِيُوشَانِ، چون آن را در خودت نیز سراغ داری.»

2- تعالیم اخلاقی عهدین در عرصه خانواده:

2-1- عهد قدیم و تعالیم اخلاق خانوادگی

تورات به تعالیم اخلاق خانوادگی بسیار پرداخته و میتوان گفت که بیشترین دستورات اخلاقی عهد قدیم در اسفار خمسه (کتابهای پنج گانه) و مخصوصا سفرهای تثیبه، پیدایش و لویان در مورد خانواده است. در میان کتب انبیای بنیاسرائیل نیز کتاب امثال در این زمینه حایز اهمیت است. به طور کلی عهد قدیم در حوزه اخلاق خانوادگی، وظایف متقابل والدین و فرزندان را و نیز دستورات مربوط به ازدواج و طلاق و گفتارها و نصایح حکیمانها- ای در این زمینه از سلیمان نقل کرده است.

یک- وظایف والدین در قبال فرزندان:

عهد قدیم پدر و مادر را در تعلیم و تربیت فرزندان مسئول دانسته و از آن ها خواسته که فرزندانی موحد و خدانشناس تربیت کنند. «من او (ابراهیم) را برگزیدم تا فرزندان و اهل خانواده خود را تعلیم دهد که مرا اطاعت نموده آنچه را که راست و درست است به جا آورید. اگر چنین کنند من نیز آنچه را که به او وعده داده انجام خواهم داد.» (پیدایش، 18:19)

تورات پدر و مادر را موظف کرده که نسبت به تربیت خدایی فرزندانشان بکوشند و به آنها درس خدانشناسی دهند: «ای بنی اسرائیل، گوش کنید: تنها خدایی که وجود دارد خداوند ماست، شما باید او را با تمامی جان و دل دوست بدارید. این قوانینی را که به شما می دهم باید دایم در فکرتان باشد؛ آن را به فرزندانتان بیاموزید و همیشه درباره آن صحبت کنید؛ خواه در خانه باشید، خواه در بیرون از خانه؛ خواه هنگام خواب باشد، خواه اول صبح. آنها را بر سر در منازل خود و بر دروازه هایتان بنویسید.» (تثیبه، 6: 4-9)

در آخرین کتاب عهد قدیم (ملاکی) آمده است: «خداوند به بنیاسرائیل میگوید دلیل اینکه من شما را ترک کردهام این است که شما به همسرانتان که در جوانی با وی پیوند وفاداری بسته بودید خیانت کرده اید و خداوند که شاهد این پیوند بوده این خیانت را دیده است

خداوند شما را با یکدیگر پیوند داد و شما در نظر او یک تن شدید. حال خدا از شما می-خواهد که فرزندان خداشناسی داشته باشید پس مواظب باشید که به همسر خود خیانت نکنید.» (ملاکی، 2: 14-15)

کتاب امثال برای حفظ بنیاد خانواده، پندهای حکیمانهای از حضرت سلیمان (ع) نقل کرده است: «ای جوان نصیحت پدرت بشنو و از تعلیم مادرت رویگردان مشو، زیرا سخنان ایشان مانند تاج و جواهر، سیرت تو را خواهد ساخت. پسرم حکمت می تواند تو را از زنان بدکاره و سخنان فریبنده شان نجات دهد. این گونه زنان شوهران خود را رها نموده، پیمان مقدس زناشویی را شکسته اند، مردانی که به خانه چنین زنانی قدم می گذارند به سوی مرگ و نیستی پیش می روند. وی در ادامه می گوید: از تأدیب کردن فرزند خویش کوتاهی نکنید، چوب تنبیه او را نخواهد کشت، بلکه جان او را از هلاکت نجات خواهد داد. پسرم اگر حکمت در تو باشد، دل من شاد خواهد شد و هنگامی که دهانت به راستی سخن بگوید، وجود من به وجد خواهد آمد. نصیحت پدرت را که تو را به وجود آورده گوش کن و مادر پیرت را خوار مشمار. در پی حقیقت باش و حکمت و ادب و فهم را کسب کن و به هیچ قیمت آنها را از دست مده، فرزندِ درستکار و دانا باش تا مایه شادی و خشنودی پدر و مادرت شوی، ای پسرم به من گوش بده و از زندگی من سرمشق بگیر بدان که زن بدکاره دام خطرناکی است او مانند راهزن است، در کمین قربانیان خود می نشیند و باعث خیانت کاری مردان زیادی می شود.» (امثال 1: 8 و 16: 2-19 و 23: 13-28)

دو- وظایف فرزندان در قبال والدین

تورات پیروان خود را به نیکی و احترام به پدر و مادر توصیه میکند. در اهمیت و جایگاه پدر و مادر در عهد قدیم همین عبارت کافی است که در ده فرمانی که خدا به موسی ابلاغ کرده، سفارش شده که به آنها احترام بگذارید: «پدر و مادرت را احترام کن تا در سرزمینی که خداوند، خدای تو به تو خواهد بخشید عمر طولانی داشته باشی.» (خروج، 20: 12) و (لاویان، 19: 3)

جایگاه والدین در تورات به اندازه‌های والا است که اگر کسی به آنها بیاحترامی و یا نفرین کند، مورد لعن واقع شده، باید کشته شود: «اگر کسی پدر و مادرش را نفرین کند، باید کشته شود و خونس بر گردن خودش خواهد بود. لعنت خداوند بر کسی که نسبت به پدر و مادرش بی احترامی کند.» (لاویان 9: 20 و تثیبه 27: 16)

تورات داستان احترام یوسف (ع) به پدرش یعقوب (ع) را چنین می‌آورد: «یوسف عرابه خود را حاضر کرد و برای دیدن پدرش به جوشن رفت و وقتی در آن جا پدرش را دید او را در آغوش گرفت و مدتی گریست. یوسف پسرانش را از روی زانوان یعقوب برداشت و در مقابل پدرش سر تعظیم فرود آورد.» (پیدایش، 29: 46 و 29: 48)

سه- دستورات مربوط به ازدواج و طلاق

دستورات اخلاقی عهد قدیم در زمینه ازدواج و طلاق غالباً در سفر «تثنیه» جمع آمده است. در اینجا به اهم آنها پرداخته میشود:

«اگر مردی پس از ازدواج با زنی به عللی از او راضی نباشد و طلاق نامهای نوشته و به دستش دهد و او را رها سازد و آن زن دوباره ازدواج کند و شوهر دومی نیز از او راضی نباشد و او را طلاق دهد یا بمیرد، آن گاه شوهر اولش نمیتواند دوباره با او ازدواج کند. زیرا آن زن نجس شده است و خداوند از چنین ازدواجی متنفر است» (تثنیه، 24: 1-4) خداوند خدای اسرائیل می فرماید: «من از طلاق نفرت دارم.» (ملاکی، 2: 16)

درباره اغفال دختران چنین آمده است:

اگر مردی دختر باکره ای را که هنوز نامزد نشده اغفال کند، باید مهریه دختر را پرداخته، او را به عقد خود در آورد ولی اگر دختر با این ازدواج راضی نباشد آن مرد فقط باید مهریه تعیین شده را به او بپردازد (تثنیه، 22: 16-17)

در آموزه های اخلاقی تورات درباره ازدواج با زن برادر متوفی چنین آمده است:

«هرگاه دو برادر با هم در یک جا ساکن باشند و یکی از آنها بدون داشتن پسری بمیرد، بیوه اش نباید با فردی خارج از خانواده ازدواج کند بلکه برادر شوهرش باید او را به زنی بگیرد و حق برادر شوهری به جا آورد. نخستین پسری که از این ازدواج به دنیا بیاید باید به عنوان پسر برادر فوت شده محسوب گردد تا اسم متوفی از اسرائیل فراموش نشود.» (تثنیه، 25: 5-6)

طبق قوانین و دستورات تورات، کسانی که به تازگی نامزدی و یا ازدواج کرده اند، شایسته نیست که در جنگ شرکت کنند و به سربازی بروند: «اگر کسی به تازگی دختری را نامزد کرده است به خانه خود برگردد و با نامزدش ازدواج کند، لازم نیست در جنگ شرکت کند. مردی که تازه ازدواج کرده نباید به سربازی احضار نمود یا مسئولیتهای خاص دیگری به وی محول کرد، بلکه مدت یک سال در خانه خود آزاد بماند و با زنش خوش باشد.» (تثنیه 20: 7 و 24: 5)

درباره ازدواج با دختران اسیر شده، آمده است: «او را به خانه بیاورید و باید یک ماه تمام در خانه شما در عزای پدر و مادرش بنشیند. بعد از آن میتوانید او را به زنی اختیار کنید. بعد از آن اگر از او راضی نبودید، نباید او را بفروشید یا مثل برده با او رفتار کنید، زیرا او به زنی گرفته اید، پس بگذارید هر جا که می خواهد برود.» (تثنیه، 21: 12-14)

در تعالیم و دستورات اخلاقی تورات در مورد باکره بودن یا نبودن دختر پس از ازدواج و حریم نگه نداشتن برای دختران مجرد از سوی مردان چنین آمده است:

«اگر مردی به دختری که نامزد ندارد تجاوز بکند و در حین عمل غافلگیر شود، باید به پدر دختر پنجاه مثقال نقره بپردازد و با آن دختر ازدواج کند و هرگز نمی تواند او را طلاق دهد. اگر مرد او را متهم به باکره نبودن کند بعد اثبات شود که باکره بوده است مرد تهمت زننده باید شلاق بزنید و محکوم به پرداخت صد مثقال نقره بکنند. این جریمه باید به پدر دختر داده

شود، آن زن همسر وی خواهد بود و مرد هرگز نباید او را طلاق دهد. ولی اگر اتهامات مرد درست باشد (دختر باکره نباشد) باید دختر به خانه پدرش ببرند و مردان شهر او را سنگسار کنند.» (تثنیه 28:21-29 و 22:18-21)

همچنین اگر کسی قوانین مربوط به عده و طهارت را رعایت نکند باید از میان بنی اسرائیل تبعید شود: «اگر مردی با زنی هنگام عادات ماهانه همبستر شود هر دو نفر باید از میان قوم بنی اسرائیل طرد شوند، زیرا مقررات مربوط به طهارت را رعایت نکرده‌اند.» (لاویان، 20:18)

2-2- عهد جدید و تعالیم اخلاق خانوادگی

عهد جدید به خانواده با دید مقدسی مینگرد، در تعالیم اخلاقی حضرت عیسی (ع) و اعمال رسولان و نامه های مبلغان مسیحی مطالب ارزنده‌ای درباره یکی بودن زن و مرد، روابط زن و شوهر، وظایف متقابل والدین و فرزندان نسبت به یکدیگر، مدیریت مرد در خانه، توجه به مایحتاج خانواده، ازدواج نکرده ها، مطلقه ها و حتی تعالیم اخلاقی در مورد روابط زناشویی مسیحی و بی ایمان آمده است.

یک - یکی بودن مرد و زن در سایه ازدواج

در انجیل از حضرت عیسی (ع) نقل شده است: «خداوند از همان ابتدا مرد و زن را برای پیوند همیشگی آفرید، به همین دلیل مرد باید از پدر و مادر خود جدا شود و به همسرش بیوندد به طوری که از آن پس دو تن نباشند، بلکه یک تن باشند و هیچ کس حق ندارد این اتحاد را برهم زند و ایشان را یکدیگر جدا سازد چون خدا آن دورا با هم یکی ساخته است اگر مردی همسرش را طلاق دهد و با زن دیگری ازدواج کند نسبت به همسرش زنا کرده است. همچنین اگر زنی از شوهرش جدا شود و با مرد دیگری ازدواج کند او نیز زنا کرده است.» (مرقس، 10: 7-11) و (متی، 19: 6-12)

در مورد یکی بودن زن و شوهر، چنین آمده: «مرد پس از ازدواج باید از پدر و مادر خود جدا شود تا بتواند به طور کامل به همسر خویش بیوندد و آن دو از آن پس یکی خواهند بود. بنابراین تکرار می کنم شوهر باید همسر خود را مانند وجود خود دوست بدارد و زن نیز با اطاعت از شوهر خود او را احترام نماید.» (افسیان، 5: 31-33)

دو- روابط زن و شوهر

عهد جدید بر وفاداری مرد و زن نسبت به یکدیگر و اطاعت همسران از شوهرانشان و انجام وظایف زناشویی نسبت به همدیگر توصیه هایی دارد.

«همسران دستیاران کشیشها نیز محترم و باوقار باشند درباره دیگران بد گویی نکنند بلکه خویشندار و قابل اعتماد باشند، دستیاران کشیشها نیز باید یک زن داشته باشند و نسبت به او وفادار بوده سرپرست خوبی برای خانواده خود باشند.» (اول تیموتائوس، 3: 11-12)

در نامه پولس به مسیحیان افسس وقرنتس براطاعت زن از مرد، رابطه محبتآمیز میان زوجین و انجام دادن روابط زناشویی تاکیدشده است: « به احترام مسیح مطیع یکدیگر باشید . ای زنان همچنان که از مسیح اطاعت میکنید از شوهرتان نیز اطاعت کنید. زیرا شوهر سرپرست زن است همانطوری که مسیح سرپرست کلیسا هست، پس ای شما زنان باید در هر امری با کمال میل از شوهران همسران خود را همان طور دوست بدارید که مسیح کلیسای خود را دوست داشت. شوهر باید همان طور که مسیح با کلیسا رفتار می کرد با زنش رفتار کند و او را همچون قسمتی از بدن خود دوست بدارد. زن و شوهر در واقع یکی هستند پس وقتی شوهری همسرش را محبت می کند در اصل به خویشتن لطف و محبت کرده است و هیچ کس به بدن خود لطمه نمی زند، بلکه با عشق و علاقه از آن مراقبت می کند. همانگونه که مسیح از بدن خود یعنی کلیسا مراقبت به عمل می آورد. خوب است مرد با زن تماس نداشته باشد اما به سبب وسوسه های جنسی که در اطراف ما وجود دارد بهتر است هر مرد برای خود زنی بگیرد و هر زن برای خود شوهری اختیار کند.

زن و مرد باید وظایف زنا شویی خود را نسبت به یکدیگر انجام دهند. البته من حکم نمیکنم که شما حتما باید ازدواج کنید بلکه منظورم این است که در صورت تمایل آزاد هستید که ازدواج کنید کسی که ازدواج می کند کار خوبی می کند، و کسی که ازدواج نمی نماید کار بهتری می کند. دختری که ازدواج می کند دیگر اختیار کامل بدن خود را ندارد بلکه شوهرش نیز بر آن حقی دارد و همچنین شوهر بر بدن خویش اختیار کامل ندارد زیرا همسرش نیز بر آن حقی دارد بنابر این شما زوجها از رابطه ی زناشویی با یکدیگر پرهیز نکنید مگر برای مدت محدود و با توافق طرفین تا بتوانید به طور کامل خود را وقف روزه و عبادت نمایید. اما بعد از این مدت روابط عادی زناشویی را از سر گیرید تا مبادا شیطان شما را به علت عدم تسلط بر نفس به وسوسه اندازد. « (اول قرنتیان، 6 : 2-3 ، 7 : 6، 38 و 5-3)

از مسیحیان یهودی نژاد خواسته شده است: «به ازدواج و عهد و پیمانی که بستهاید وفادار باشید و پیوند زناشوییتان را از آلودگی دور نگاه دارید، زیرا خداوند افراد فاسد و زناکار را حتما مجازات خواهد کرد.» (عبرانیان، 4:13)

«اگر کسی به احتیاجات خویشان و بخصوص اعضای خانواده، خود بی توجه باشد، اجازه ندارد خود را مسیحی بخواند. چنین شخصی از یک کافر پست تر است.» (اول تیموتائوس، 5: 8)

سه- وضع زناشویی میان مسیحی و بی ایمان

در تعالیم اخلاقی عهد جدید، روابط زناشویی میان یک فرد مسیحی و یک فرد بیایمان و چگونگی ازدواج و طلاق آنها نیز مورد توجه قرار گرفته است. «اگر یک مرد مسیحی همسری غیر مسیحی دارد و آن زن حاضر است با او زندگی کند او نباید زن خود را طلاق دهد. همچنین اگر یک زن مسیحی شوهری غیر مسیحی دارد و شوهرش از او می خواهد با او زندگی کند آن زن نباید از شوهرش جدا شود، زیرا زن یا یک شوهر مسیحی با خود

قدوسیت را وارد ازدواج خود می کند در غیر این صورت فرزندان ایشان ناپاک محسوب می شدند اما به طوری که می بینیم ایشان مقدس به شمار می آیند. اگر شوهر یا زن غیر مسیحی مایل باشد از همسر خود جدا شود اشکالی ندارد در این مورد زن یا شوهر مسیحی نباید اصرار کند که همسرش با او بماند زیرا خدا می خواهد که ما ایمان داران در آرامش و صفا زندگی کنیم.» (اول قرنتیان، 7: 12 - 15)

چهار- ازدواج نکرده ها، مطلقه ها

عهد جدید درباره بیوهها و نیز کسانی که به هر عللی ازدواج نکرده اند و یا طلاق گرفتهاند آموزههایی دارد. پولس در نامه خود به مسیحیان قرنتس مینگارد: «به آنانی که هنوز ازدواج نکردهاند و نیز به بیوه زنان میگویم بهتر است اگر میتوانند مثل من مجرد بمانند، اما اگر نمیتوانند بر امیال خود مسلط باشند، بهتر است که ازدواج کنند، زیرا ازدواج بهتر از سوختن در آتش شهوت، دستوری است که زن نباید از شوهرش جدا شود بهتر است یا مجرد بماند، یا نزد شوهرش برگردد. شوهر نیز نباید زن خود را طلاق دهد.» (اول قرنتیان، 8: 7-11)

«بیوهزنان باید به نیکوکاری معروف بوده و فرزندان خود را به خوبی تربیت کرده باشند (اول تیموتائوس 5:10)

در تعلیمات حضرت عیسی (ع) آمده است: «هر انسانی نمی تواند از ازدواج بپرهیزد بلکه فقط کسانی می توانند مجرد بمانند که از خدا فیض خاصی یافته باشند. بعضی به علت نقص مادر زادی قادر به ازدواج نیستند؛ بعضی را نیز مردم ناقص کردهاند و نمیتوانند ازدواج کنند؛ و برخی به خاطر خدمت خدا ازدواج نمی کنند، هرکه قدرت اجرای اصل ازدواج را دارد، بگذارید آن را بپذیرد. (متی، 19: 6-12 و مرقس، 10: 7-11)

پنج- وظایف فرزندان در قبال پدر و مادر

انجیل همانند دیگر کتب آسمانی به نیکی و احترام به پدر و مادر و اطاعت از آنها به فرزندان سفارش میکند: «ای فرزندان، پدر و مادر خود را اطاعت کنید که این کار درستی است، زیرا خداوند اختیار زندگی شما را به دست ایشان سپرده است. اگر احترام پدر و مادر خود را نگه دارید، عمری طولانی و با سعادت خواهید داشت.» (افسیان، 6: 1 تا 3)

حضرت مسیح (ع) می گوید: «یکی از احکام خدا این است که: «پدر و مادر خود را احترام کنید و هر که پدر و مادر خود را ناسزا گوید باید کشته شود.» (متی، 15: 4)

شش- وظایف والدین در قبال فرزندان

این مطلب درباره جایگاه خانواده در عهد جدید حائز اهمیت است که در نامه اول پطرس به تیموتائوس میخوانیم: «کشیش باید سرپرست خوبی برای خانواده اش باشد و فرزندان را طوری تربیت کند که درکمال احترام از او اطاعت نمایند زیرا کسی که نتواند

خانواده خود را اداره کند چگونه خواهد توانست کلیسا را اداره کند.» (اول تیموتائوس، 3 : 5-4)

3- مقایسه تحلیلی اخلاق اجتماعی نهج البلاغه و عهدین در عرصه خانواده

از دیدگاه نهج البلاغه، تشکیل خانواده همراه با سختی است، لذا باید با عقل و خرد به سراغ آن رفت و آن را تشکیل داد، چرا که گریزی از آن نیست. در مرحله نخست شناخت زن از روحیات مرد و شناخت مرد از روحیات و علایق و دنیای زنان است تا توقع نابجا و انتظارات نامعقول از یکدیگر نداشته باشند و با این شناخت زندگی را شروع کنند. در مرحله بعد پاکدامنی را شعار خود قرار دهند و دیگر به دنبال عیاشی و هرزه‌گردی نروند که پایه‌های زندگی فرو می‌ریزد و در این میان همه اعضای خانواده زیر آوار آن خواهند ماند.

خوش خلقی، ملات نگهدارنده و استوارکننده مصالح بنای زندگی است و بر استحکام آن می‌افزاید و در مقابل لرزه‌ها و تنش‌های روزگار آن را محکم و استوار نگه می‌دارد.

همچنین تربیت صحیح و سالم فرزندان از دیگر اهداف تشکیل خانواده است، چرا که انسان‌هایی با اعتماد به نفس، مومن و دارای سلامت جسمی و روانی در خانواده‌های با اخلاق صحیح رشد و نمو پیدا می‌کنند و همین انسان‌های سالم اجزاء جامعه را تشکیل می‌دهند.

سرانجام آنکه تقسیم کار در خانواده، سپردن مسئولیت به اعضا، ابراز علاقه به فرزندان و همسر، دینداری و پایبندی به اخلاقیات، عدالت در خانواده، گفتگوی صمیمی، آموزش و افزایش اطلاعات در خانواده و سازگاری و برآوردن نیازهای مادی و جنسی و روحی همسر و اعتماد به وی، موجب تحکیم پایه‌های خانواده و ایجاد احساس آرامش در آن می‌شود.

در تورات نیز به اخلاق خانواده توجه بسیار شده و به رعایت احترام به پدر و مادر و شنیدن پندهای آنان، رعایت حقوق فرزندان و تربیت صحیح ایشان، خیانت نکردن به همسران، به ویژه زمانی که همسران دوران جوانی خود را سپری کرده‌اند، نرفتن به خانه زنان بدکاره (که نیستی و مرگ را در پی دارد) توصیه نموده است که در همه این موارد با نهج البلاغه همسو است.

در تورات سخن از تادیب فرزندان آمده که ظاهر عبارت نشان از تنبیه فیزیکی دارد که این نکته در نهج البلاغه نیامده است. همچنین اجبار زنان شوهر مرده به ازدواج با برادر شوهر خود که در تورات آمده و نیز معافیت تازه دامادان از جنگ و جهاد نیز در نهج البلاغه نیامده است.

همچنین احکام ازدواج با بردگان و دخترانی که مورد تعرض قرار گرفته‌اند با احکام دینی اسلام تفاوت آشکار دارد.

در عهد جدید گرچه اذعان دارد که اگر مرد میتواند بهتر است مجرد بماند اما اگر تشکیل خانواده داد، باید کاملاً نسبت به آن متعهد بماند و دیگر دو تن نباشند، یک تن باشند چرا که

این اتحاد خدایی است. مرد، زن را مانند خود دوست داشته باشد و زن به همسرش احترام بگذارد.

همچنین کسی که به احتیاجات خویشان و اعضای خانواده بی توجه باشد، اجازه ندارد خود را مسیحی بنامد. در مقابل، فرزندان نیز باید حرمت پدر و مادر خود را نگه دارند که این موارد نیز تا حد زیادی با احکام اسلام و بیانات امیرمومنان در نهج البلاغه همسو می باشد.

به جز احکامی که در مسیحیت درباره ازدواج مجدد و مانند آن آمده، دستورات اخلاقی آن درباره خانواده مورد تایید نهج البلاغه نیز هست.

اما نهج البلاغه بسیار کاملتر به امور خانواده پرداخته و ضمن توصیه به تشکیل خانواده، مبانی استحکام و تداوم آن را نیز برای مردم برمیشمارد. به طور طبیعی بعد از گذشت هزاران سال از نزول عهدین و پس از نزول کاملترین کتاب آسمانی، امام علی (ع) که بر همه این کتابهای آسمانی آگاهی داشت، بهترین مطالب و عناوین را در باب اخلاق برای مردم بیان نمودند.

4- نتیجه گیری:

در عهدین به ویژه عهد عتیق (تورات) به تشکیل خانواده و پایبند بودن به آن تاکید شده و از بی بندوباری در ارتباط زنان و مردان نهی و مجازات های سنگینی برای آن در نظر گرفته شده است. از فرزندان می خواهد که گوش به فرمان پدر باشند چرا که آنان خیر و صلاح فرزندانیشان را می خواهند. همچنین مردان را از نزدیک شدن به زنان بدکاره برحذر می دارد چرا که آنان شیطانی اند. مرد و زن در سایه ازدواج یکی می شوند اما مرد باید از پدر و مادر خود جدا شود تا به همسرش بپیوندد. مرد سرپرست خانواده است و زن باید مطیع او باشد و مرد باید به همسرش محبت کند. اما در مجموع از نظر عهد جدید ازدواج نکردن بهتر است!

همه این موارد در کتاب نهج البلاغه آمده اما با دو فرق: نخست آنکه طبق عهد جدید فردی که ازدواج نمی کند بر فرد متاهل برتری دارد، حال آنکه طبق تعالیم اسلام و نهج البلاغه ازدواج مستحب موکد است. دوم آنکه طبق سخن نهج البلاغه لازم نیست مرد پدر و مادرش را برای ازدواج ترک کند. انسان در عین متاهل بودن باید نسبت به والدین خود محبت ورزد.

نکته دیگر، افراط و تفریط در عهدین در موضوع خانواده است، ابتدا ازدواج نکردن را اولویت می شمارد، اما اگر ازدواج انجام شد و نسبت به احتیاجات خانواده اش بی توجهی نمود از یک فرد کافر پست تر می شود. در مورد احترام به والدین تا آنجا پیش می رود که سزای ناسزا گفتن به پدر و مادر را کشته شدن می داند.

نکته جالب در تربیت فرزندان نیز این است که کشیشی می تواند کلیسا را خوب اداره کند که در منزل مدیر خوبی بوده و فرزندان را خوب تربیت کرده باشد.

حضرت علی (ع) نیز مردم را به خوب همسرداری - چه زن و چه مرد - سفارش فرموده و آن را معادل جهاد در راه خدا دانسته است و مردان را از تنبیه بدنی همسرانشان نهی شدید می نماید و اینکه بیش از طاقت آنان نباید از ایشان توقع داشت.

حضرت به تربیت اولاد توجه و عنایت ویژه دارد چرا که نتیجه تربیت خوب اولاد صالح و افزودن بر شرافت خانواده و باقیات و صالحات برای والدین خواهد بود. و بی توجهی در تربیت اولاد، فرزند ناصالح به بار می آورد که مایه نابودی شرف و بلندمرتبتگی و لکه دار کردن عزت پیشینیان خواهد بود. حتی حضرت به بهار تربیت فرزندان یعنی دوران کودکی و نوجوانی اشاره می فرماید که پدر و مادر از این زمان مهم در تربیت غافل نشوند.

در عهدین، به کلیات در تربیت فرزند اشاره شده حال آنکه در نهج البلاغه به جزئیات اشاره شده: همکاری والدین و فرزندان در امور منزل و تقسیم کار، تقسیم یکسان محبت بین فرزندان، اجرای عدالت در خانواده، گفتگوی صمیمی در جمع خانواده، آموزش و افزودن آگاهی های لازم به فرزندان و همسر، ابراز محبت، دینداری و تعهد به اصول اخلاقی، گوش دادن به سخن همدیگر، تشویق و ترغیب، توجه به نیازها و ظرایف همسر، سازگاری و عیب پوشانی و عدم سوء ظن بی جا به یکدیگر مواردی هستند که به ایجاد خانواده سالم و تربیت فرزندان صالح کمک شایانی می نماید.

فهرست منابع

- 1- نهج البلاغه، محقق عزیزا... عطاردی قوچانی، مقدمه سید رضی، بنیاد نهج البلاغه، ۱۴۱۳ق
- 2- سید رضی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، مترجم: محمد دشتی، موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین، تهران، تابستان 1384
- 3- کمال الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی، شرح نهج البلاغه، مترجم: محمدصادق عارف و دیگران، بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد، 1375
- 4- شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، قصارالحکم، شماره 354، انتشارات مشهور، 1379ش
- 5- عبدالمجید معادیکخواه، فرهنگ آفتاب، نشر ذره، ج 7، 1385ش
- 6- خوانساری، محمد، شرح غررالحکم و دررالکلم آمدی، دانشگاه تهران. مؤسسه انتشارات و چاپ، 1366ش
- 7- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، دارالکتب الاسلامیه، ج 104، 1315ق
- 8- بیگی، روح الله، ارزش های اخلاق اجتماعی، قم، اسوه، چاپ دوم، 1389ش

- 9- رشاد، علی اکبر، دانشنامه امام علی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ج ۱۲، ۱۳۸۰ش
- 10- استادی، رضا، کتابنامه نهج البلاغه، بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۵۹ش
- 11- الحسینی الخطیب، سید عبدالزهرا، مصادر نهج البلاغه و أسانیده، دارلاضواء، بیروت، ج ۱، ۱۹۸۵م
- 12- کارل، لوفمارک، کتاب مقدس چیست، مترجم: شاکر محمد کاظم، تهران، انتشارات دبستان، چاپ اول، 1385ش
- 13- دایرة المعارف کتاب مقدس، مترجم: بهرام محمدیان، تهران، انتشارات سرخدار، چاپ اول، 1381ش
- 14- ارنست هیوم، رابرت، ادیان زنده، ترجمه: عبد الرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، 1369ش
- 15- بوکای، موریس، عهدین، قرآن و علم، مترجم: حسن حبیبی، انتشارات حسینیه ارشاد، 1357ش
- 16- تنی، مرلیسی، معرفی عهد جدید، مترجم: میکائیلیان، تهران، حیات ابدی، 1363ش
- 17- الیاده، دین میرچاه، دایره المعارف دین، شعبه لندن، کمپانی مک میلیون در نیویورک، ج 2، 1993م
- 18- هاکس، جیمز، قاموس کتاب مقدس، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ اول، 1377ش
- 19- Solomon, Norman, "Conservation", Encyclopedia Judaica, ed. Fred Skolnik. U.S.A, 2007
- 20- Swartz, Daniel, "Jews, Jewish texts and nature", This Sacred Earth, ed. Rogers. Gottlieb, Routledge, New York and London, 2004.
- 21- Rakover, Nahum, "Ecology", Encyclopedia Judaica, ed. Fred Skolnik, U.S.A, 2007.
- 22- کهن، ابراهام، گنجینه ای از تلمود، مترجم: امیر فریدون گرگانی، تهران، اساطیر، چاپ اول، 1382ش
- 23- Watling, Tony, Ecological Imaginations in the World Religions, London, New york, 2009